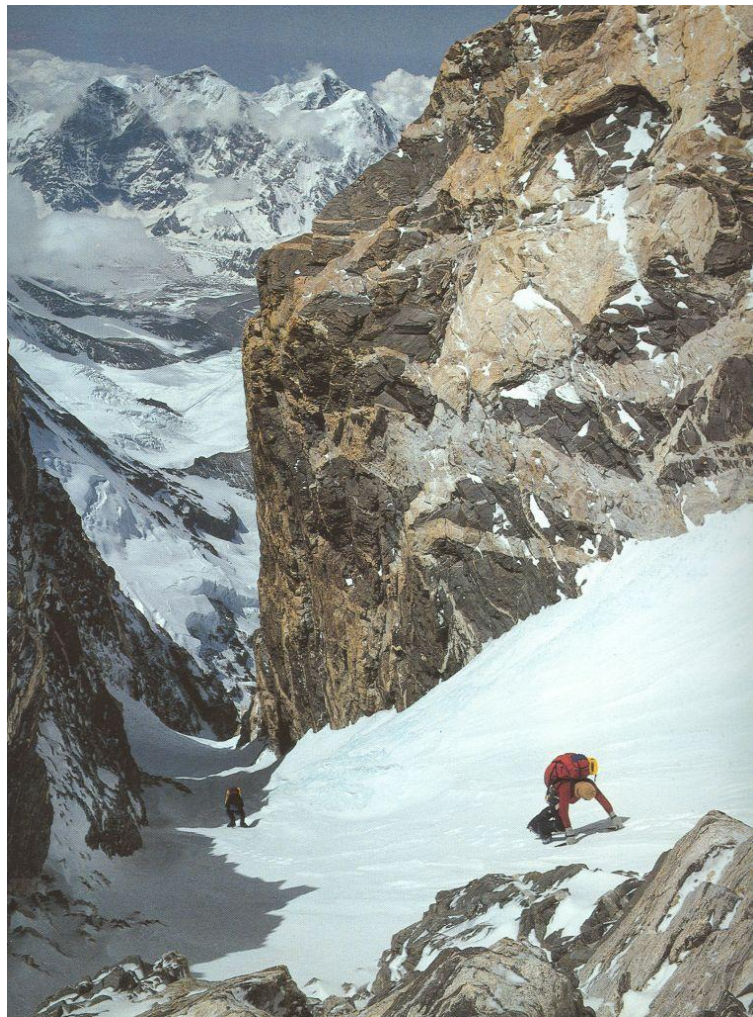


## شیشاپانگما ۸۰۴۸ متر

### رخ جنوب غربی

شیشاپانگما مرتفع ترین قله ای است که کاملاً در محدوده چین قرار دارد. اما به طرز عجیبی نزدیک ترین ۸۰۰۰ متری به کاتماندو، پایتخت نپال است و تنها ۸۰۰۰ متری است که از این شهر دیده می شود. در نتیجه ممنوعیت مسافرت به تبت در دهه ۱۹۵۰، این آخرین کوه از چهارده قله مرتفع دنیا بود که صعود شد. در اولین صعود آن در سال ۱۹۶۴، ده کوهنورد چینی به سرپرستی سو چینگ (Hsu Ching) از طریق جبهه شمال غربی و یال شمالی به قله رسیدند. ممکن است تیم حمله بزرگی به نظر برسد، اما با در نظر گرفتن تعداد کل اعضای این هیئت، به همراه دانشمندان و خدمه بارگاه اصلی که مجموعاً ۲۰۶ نفر بودند، دیگر چندان هم تیم بزرگی به نظر نمی آید.



راجر باکستر جونز و آلکس مکینتایر در انتهای  
 دهلیز موسوم به پوسته نخود هنگام اولین صعود  
 رخ جنوبی شیشاپانگما در سال ۱۹۸۲. در پسزمینه  
 قله های لانتانگ در مرز تبت دیده می شوند. (داگ  
 اسکات)

تا سال ۱۹۸۰ هنوز درها برای صعود غیر چینی ها باز نشده بود، اما در این سال و سال ۱۹۸۱ پنج صعود دیگر بر روی آن انجام شد، که تمامی آن ها کمابیش بر روی مسیر اصلی بودند. صعود شیشاپانگما، با ضریب موفقیت بالا و با وجود این واقعیت که شاید شیشاپانگما ساده ترین ۸۰۰۰ متری باشد، بسیار محبوب باقی مانده است.

نام تبتی شیشاپانگما به معنای "رشته ای بالای سبزه زار" است، که دقیقاً همان چیزی است که در حرکت از سمت شمال به طرف آن دیده می شود. قسمتی از جذابیت این قله به علت در دسترس بودن آن است؛ به طوری که امکان رسیدن به بارگاه اصلی آن در ارتفاع ۵۰۰۰ متری به وسیله جیپ و کامیونت هست، و از آن جا یک ها بارها را درست تا ارتفاع ۵۸۰۰ متری حمل می کنند.

چوآیو که در فاصله چند ساعت رانندگی در جنوب تنگری (Tingri) قرار گرفته هم به طرز مشابهی دسترسی آسانی دارد و به همین علت اغلب گروه هایی که به تبت می آیند هر دوی این کوه ها را با هم و در یک فصل صعود می کنند. هنگامی که افراد بر روی چوآیو هم هوا شدند به راحتی با کمتر از یک هفته حضور بر روی شیشاپانگما می توانند آن را صعود کنند.

جبهه جنوبی پر شیب است و چندان هم در دسترس نیست، اما با توجه به استاندارد های بیشتر قله ها، رسیدن به آن کوتاه و مفرح است. در سفر از پل دوستی در مرز نپال، نیالام (Nyalam) اولین استراحتگاه در فلات تبت است که بعد از پنج ساعت رانندگی می توان به آن رسید. از این دهکده دلگیر و غبار گرفته که یادآور فیلم های وسترن اروپایی است، پیاده روی سه روزه تا نیانانگ پو چو (Nyanang Phu Chu) آغاز می شود. دره ای که به محل سبز بارگاه اصلی در انتهای فلات پر از صخره بالای لبه های شمالی یخچال نیانگ پو در سرحدات نپال ختم می شود. یکی از مزایای صعود در این سمت کوه این است که به جای رانندگی مستقیم تا ۵۰۰۰ متری باید از ۳۸۰۰ متری پیاده روی کرد که برای هم هوایی مناسب تر است.

این مسیری بود که توسط شش گروه از گروه های صعود کننده شیشاپانگما در سال ۱۹۸۲ از آن استفاده شد. گروهی به سرپرستی نیک پرسکات (Nick Prescott) اولین گروهی بود که این کوه را کاملاً به روش سبکبار صعود کرد. آن ها از جبهه ای وارد شدند که فقط در هنگام عبور از مرز در لانگتانگ (Langtang) برای لحظه ای

آن را می توان دید. پیش از آن که سه کوهنورد پیشرو، داگ اسکات، آلکس مکینتایر و راجر لیکستر جونز، قدم بر شیشاپانگما بگذارند، این سه تن اولین صعود پونگپا ری (Pungpa Ri) به ارتفاع ۷۴۴۵ متر را از دهلیز جنوب غربی و تیغه ۴۵ درجه یخی و با درجه IV، را انجام داده بودند. در واقع این تصمیم عاقلانه ای بود، چرا که توانست بودند علاوه بر هم هوا شدن هنگام فرود نگاه نزدیک تری به مسیر مورد نظرشان بر روی شیشاپانگما بیاندازند. این صعود در اواسط ماه مه انجام شد. سپس در ۲۸ ام همان ماه بعد از سه شب مانی بر روی رخ جنوبی به قله شیشاپانگما رسیدند.

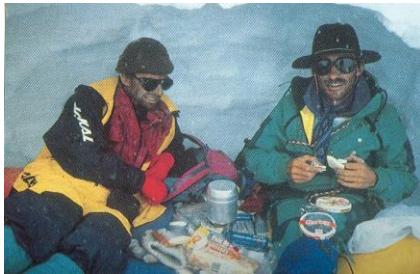


کار گروهی اسپانیایی ها بر روی  
مسیر لهستانی/سویسی. صعود  
کنندگان از اولین گذرگاه باریک  
عبور کرده اند و به نزدیکی بالای  
قسمت برفی پایینی و یخچال معلق  
رسیده اند. (ارنست بلید Ernest  
(Blade))

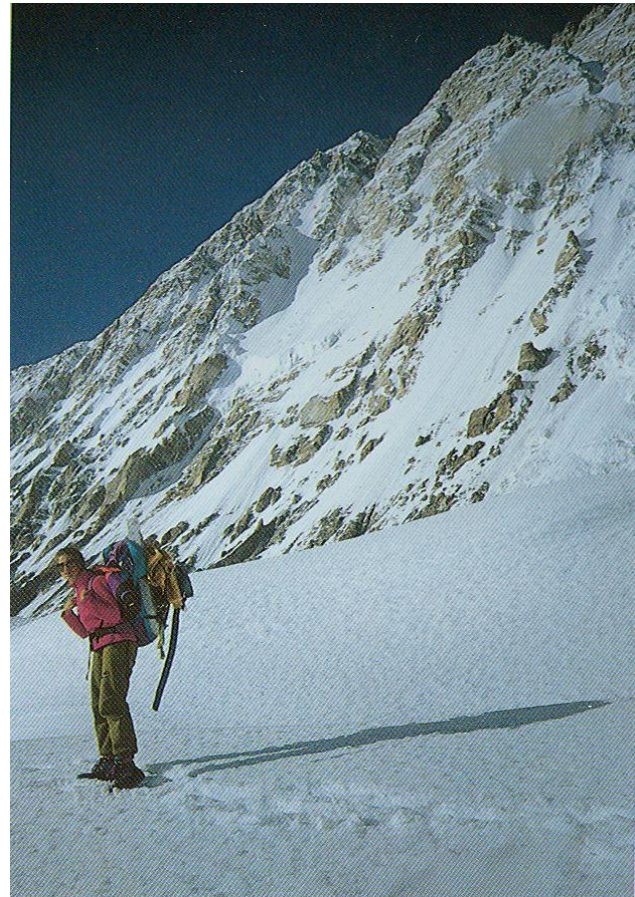
مسیر آن ها تقریباً مستقیم تا دهلیز عریض برفی که درست در شرق قله پدیدار می شود ادامه دارد. این مسیر در بیشتر قسمت ها بر روی برف و یخ است و یک قسمت کاملاً دشوار ترکیبی (درجه ۴ اسکاتلندی) تا رسیدن به پای دهلیز معروف به "پوسته نخود" (Peapod) وجود دارد. با وجود اینکه شیب کلی این جبهه به تندی که این تیم انتظار داشت بود، اما مسیر آن ها کاملاً مشقت آور است و تعداد کمی جای مشخص برای شب مانی دارد.

برای مکینتایر بیست و هشت ساله، که در همان سال در فرود از دیواره جنوبی آناپورنا کشته شد، این مسیر و کتابی که به همراهی داگ اسکات نوشته است، Shishapangma Expedition، حقیقتاً یادبودی برای اوست. او یک

کوهنورد درخشان، با ذهنی هوشیار بود که ایده ها و نوآوری هایش راهنمای دیگران بود و بر سایر کوهنوردان تاثیر زیادی گذاشت. او از چهره های ماندنی کوهنوردی مدرن است.

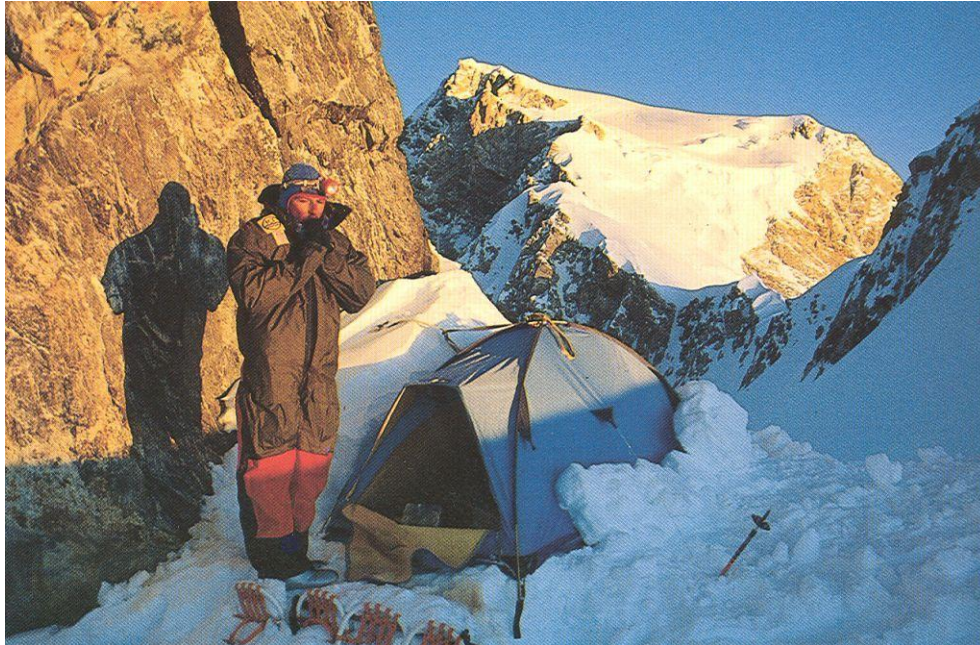


(بالا): وویچک کورتیکای فوق العاده راحت (چپ) و ارهارد لورتان (راست) زیر جبهه جنوبی مشغول تجدید قوا هستند، درست پیش از شروع صعود یک شبه شان. (ژان تروله)  
 (راست): کوهنورد اسپانیایی، آرسلو سگارا ( *Arececi Segarra* )، در سال ۱۹۹۲ به سمت جبهه جنوبی شیشاپانگما می رود تا مسیر لهستانی/سویسی را تکرار کند که از پشت کوله پشتی وی به سمت یخچال معلق می رود و سپس به سمت دهلیز بزرگ تراورس می کند. مسیر بریتانیایی ۱۹۸۲ از دهلیز منتهی الیه سمت راست می گذرد. مسیر ۱۹۹۰ اسلونیایی از شکاف دشوارتر میانی می گذرد. ( *Ferran Latorre* )



مکینتایر برخی از عالی ترین صعودها را انجام داد، همانند جبهه جنوبی چانگابانگ ( *Changabang* ) و جبهه شرقی دائولاگیری به همراهی وویچک کورتیکا ( *Wojciech Kurtyka* ) که همانند خود او مصمم بود. و این کورتیکا بود که هشت سال بعد مسیر دیگری را بر روی جبهه جنوبی شیشاپانگما گشود. مسیری که وی به همراهی زوج سویسی ژان تروله و ارهارد لورتان تکمیل کرد، از گذرگاه مشابهی تا "پوسته نخود" بر روی مسیر ۱۹۸۲ می رسد، اما در سمت چپ (غرب) قله اصلی. این مسیر که تماماً بر روی برف قرار دارد و شیب آن هرگز بیشتر از ۵۵ درجه نمی شود، کوتاه ترین و سریعترین مسیر یک هشت هزار متری است. مسیر به سمت گردنه مابین قله غربی و مرکزی می رود، اما بهتر است ۲۰۰ متر پایین تر از گردنه از آن خارج شده و به سمت راست رفت و از یک دهلیز فرعی مستقیماً به قله مرکزی رسید. در اولین صعود لورتان و تروله، به روش مرسواین جبهه را در شب

و بدون وسایل شب مانی صعود کردند و درست موقع طلوع آفتاب به قله رسیدند. کورتیکا هم هیچ وسیله ای حمل نکرد اما آهسته تر حرکت می کرد و تصمیم گرفت در هنگام فرود در ارتفاع ۷۸۰۰ متری شب مانی کند. آن شب به طور مطبوعی گرم بود.



لوک هیوز (Luke Hughes) در یک صبح سرد در اکتبر در ارتفاع ۷۳۰۰ متری پس از دومین صعود یونگپا ری (۷۴۴۵ متر)، (خارج از تصویر در سمت راست). پشت سر او تیغه جنوب شرقی شیشاپانگما قرار دارد که مسیر معمولی فرود پس از صعود جبهه جنوبی است. از گردنه بلافاصله بعد از چادر می توان درست به سمت جنوبی رفت و به پای این جبهه رسید. (استفن ونبلز)

کورتیکا برای جمع بندی در دسترس بودن این مسیر می نویسد "برای یک مرد یا زن پرکار این یک امکان رویایی برای رسیدن به یک قله ۸۰۰۰ متری است." وی می افزاید "اما آیا این آقا یا خانم پرکار اعتماد به نفس و بنیه لازم برای یک ورزش پر ارتفاع را دارد؟". صعود لهستانی/سویسی شیشاپانگما فقط دو هفته پس از درخشش سه نفره آن ها در گشایش مسیری جدید بر روی چوآیوانجام شد.

مسیر سوم دشوارتری نیز بر روی این جبهه وجود دارد که در سال ۱۹۸۹ توسط یکی از غول های همیالیانوردی به نام آندری استرمفلژ و همراه اسلرونیاپیش پاول کوژک (Pavle Kozjek) گشوده شد. این مسیر با درجه سختی

IV/V ترکیبی و با شیبی تا ۶۵ درجه بر روی یخ، رشته متنوع زیبایی را بر روی شکاف بین دو گذرگاه مرکزی می تند که اولین صعود آن سه روز به طول انجامید.

ساده ترین فرود از شیشاپانگما از مسیر معمول آن در شمال است. اما به هر صورت بیشتر افراد مایل به فرود به بارگاه اصلی جنوبی هستند. کورتیکا، لورتان و تروله از همان مسیر خودشان بر روی رخ جنوبی فرود آمدند. سایر گروه ۱ مسیر نرمال فرود بریتانیایی را انتخاب می کنند که از تیغه جنوب شرقی به گردنه ۷۳۰۰ متری بین شیشاپانگما و پونگپا ری می رسد. در برخی نقاط این تیغه بسیار کم عرض و تیز است و می بایست در گذر از آن دقت زیادی به خرج داد. از این گردنه به بعد فرود خسته کننده و طولانی از دامنه های عظیم ۴۵ درجه برف و یخ باقی می ماند که باید برای پرهیز از حصار برج های یخی بزرگ، از آن به صورت لویب عبور کرد.

جبهه جنوبی شیشاپانگما یک جبهه خوب و ورزشی و جایگزینی مناسب برای مسیر نرمال از طرف شمال است. مسیر بریتانیایی یک مشخصه مهم در صعودهای سبکبار در همیالیاست. مسیر سویسی/لهستانی ساده ترین است، در حالیکه مسیر اسلونیایی شاید فنی ترین و جذاب ترین مسیر را برای ماجراجویی کوهنوردی ارائه دهد.

نام کوه	شیشاپانگما
ارتفاع	۸۰۴۶ متر
مکان	همیالیای لانگتانگ، تبت
مسیر	جبهه جنوبی، مسیر های موازی، هر کدام ۲۲۰۰ متر صعود بر روی شیب ۵۰ درجه. مسیر ۱۹۹۰ تماماً برف و یخی، در حالیکه مسیرهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۹ درجه های مختلف ترکیبی را ارائه می دهند.
اولین صعود کوه	فتح قله در ۲ ماه مه ۱۹۶۴ توسط تیم چینی به رهبری سو چینگ.
اولین صعود مسیر	۲۵-۲۸ ماه مه ۱۹۸۲ توسط آلکس مکینتایر، راجراکستر جونز و داگ اسکات (انگلستان)؛ ۱۷-۱۹ اکتبر ۱۹۸۹ توسط پاول کوژک و استرمفلز (اسلونی)؛ ۲ اکتبر ۱۹۹۰ توسط ووئیگ کورتیکا (لهستان)، ژان تروله و ارهارد لورتان (سوییس).
ارتفاع بارگاه اصلی	۵۴۰۰ متر، بالاتر از لبه شمالی یخچال نیانانگ پو روبروی پمتانگ کارپو ری (Pemthang Karpo Ri) به ارتفاع ۶۸۳۰ متر.

راه های دسترسی	نیالام، ۳۸۰۰ متر
طول پیاده روی	حداکثر ۲۰ کیلومتر، ۲-۳ روز
فصول مناسب	مه یا اکتبر که در نیال بهترین ماه ها برای صعود است. در ماه مه این جبهه خشک تر است و بیشتر در معرض سقوط سنگ قرار دارد.
مجوز	انجمن کوهنوردی چین-تبت، لهاسا.
نرخ موفقیت	کاملاً بالا.
کتاب نگاری	کتاب <b>The Shishapangma Expedition (Granada, 1984)</b> روایت اولین صعود جبهه توسط اسکات و مکینتایر است همچنین رجوع کنید به مجلد ۱۹۹۰ AAJ صفحات ۳۰۶-۳۰۷؛ مجلد ۱۹۸۳ AAJ صفحات ۳۵-۳۹؛ مجلد ۱۹۹۱ AAJ صفحات ۱۴-۱۸؛ و مجله Mountain صفحه ۱۳۷. برای جبهه صعود نشده غربی به مجلد ۱۹۸۸ AAJ و مجلد ۱۹۸۸-۱۹۸۹ AJ مراجعه کنید.